

طرحنامه کرسی ترویجی

۱. عنوان کرسی:

عنوان فارسی: بررسی فقهی مسئولیت حکومت اسلامی در حفظ منابع حیاتی در زمان جنگ
عنوان انگلیسی: The Islamic State's mission in dealing with vital resources and human infrastructure during war
عنوان عربی: مهمة تنظيم الدولة الإسلامية في التعامل مع الموارد الحيوية والبنية التحتية البشرية أثناء الحرب

۲. خلاصه طرحنامه: (حداقل ۱۰۰۰ و حداکثر ۲۵۰۰ کلمه):

الف. شرح موضوع: موضوع کرسی ترویجی بطور دقیق و علمی شرح داده شود.

جنگ، به عنوان یک پدیده پیچیده و تاثیرگذار، همواره چالش های فراوانی را برای جوامع انسانی به همراه داشته است. در این میان، برخورد با منابع و زیرساخت های حیاتی انسان ها در دوران جنگ از جمله مسائل اساسی است که باید به دقت و با توجه به اصول اخلاقی و دینی مدیریت شود. در اسلام، که حفظ کرامت انسانی و رعایت حقوق بشر از ارکان اساسی آن است، توجه ویژه ای به مسأله جنگ و اثرات آن بر منابع زیستی و زیرساخت ها می شود. تخریب زیرساخت هایی چون آب، برق، معادن و منابع انرژی نظیر نفت و گاز، که پایه های زندگی انسانی به شمار می آیند، باید با دقت و در چارچوب اصول اسلامی بررسی و تحلیل شود.

ضرورت طرح این مسئله در دنیای معاصر، با توجه به پیشرفت های تکنولوژیکی و استفاده روزافزون از ابزارهای جدید جنگی، بیش از پیش احساس می شود. در دوران جنگ های مدرن، آسیب هایی که به زیرساخت ها و منابع حیاتی وارد می شود، می تواند پیامدهای گسترده ای به همراه داشته باشد. از این رو، ضروری است که در کنار بررسی ابعاد نظامی جنگ، به چگونگی حفظ و حراست از این منابع نیز توجه ویژه ای صورت گیرد تا آثار منفی آن بر زندگی مردم و پایداری جامعه به حداقل برسد.

طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مسئولیت و اختیارات جنگ به عهده ولی فقیه است. از آنجا که ولی فقیه به عنوان نماینده شرعی و ولی امر مسلمانان شناخته می شود، تصمیم گیری های کلیدی در خصوص جنگ و صلح، از جمله نحوه برخورد با منابع و زیرساخت ها، تحت نظر مقام رهبری قرار دارد. لذا مباحث مربوط به جنگ غالباً مسأله ای حکومتی است که در راستای حفظ مصالح عمومی و رعایت اصول اسلامی اتخاذ می شود. در این زمینه، مسئولیت ولی فقیه و ارگان های مرتبط، شامل مقامات نظامی و دولتی، به طور مستقیم بر اتخاذ تصمیمات درست در خصوص حفظ منابع زیستی و زیرساخت ها در جنگ تاثیرگذار است.

بررسی فقهی چگونگی برخورد با زیرساخت ها و منابع حیاتی

حمله به زیرساخت ها و منابع حیاتی همچون برق و آب، از منظر فقهی مسأله ای بسیار مهم است. این منابع از ضروریات زندگی انسان ها به شمار می آیند و حفظ آنها برای تأمین نیازهای اولیه جامعه ضروری است. از سوی دیگر، منابع انرژی مانند نفت و گاز نیز از جنبه های حیاتی برای رشد و توسعه جوامع بشری محسوب می شوند.

الف - حمله به زیرساخت ها مثل برق و آب از منظر فقه :

مسأله حمله به زیرساخت ها و تأسیسات حیاتی مانند برق، آب و سایر منابع ضروری در جریان جنگ، از جمله مباحث حساس و پیچیده در فقه جنگی اسلامی است. این موضوع به ویژه به لحاظ اخلاقی و انسانی حائز اهمیت است، چرا که چنین اقداماتی می تواند موجب آسیب به غیرنظامیان و ایجاد بحران های انسانی در میان مردم بی گناه شود. در فقه اسلامی، حفاظت از جان، مال و آبروی

انسان‌ها در شرایط جنگی یک مسأله اساسی به شمار می‌آید و هرگونه اقدام به تخریب زیرساخت‌های حیاتی نیازمند بررسی دقیق و استدلال‌های فقهی است. در این زمینه دو فرضیه قابل طرح است:

فرضیه اول: مجاز بودن حمله به زیر ساخت‌ها و منابع حیاتی

مطابق این فرضیه، حمله به زیرساخت‌ها و تأسیسات حیاتی دشمن در شرایط جنگی مجاز است.

استدلالات:

یک. قاعده «کل ما یرجی به الفتح یجوز»:

در متون فقهی معتبر، این گفته به چشم می‌خورد که «کل ما یرجی به الفتح یجوز» (ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ۲۰۱ و حلبی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۴۳ و محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۸۳) یعنی هر آنچه که در آن امید به فتح و پیروزی نهفته است، در ساحت جهاد و جنگ، از لحاظ شرعی جایز و موجه شمرده می‌شود.

نقد: قاعده کل ما یرجی به الفتح قاعده ای معتبری نیست. زیرا این قاعده را هیچ مستند عقلی و نقلی پشتیبانی نمی‌کند و باید برای پیروزی صرفاً از اسباب مباح استفاده نمود (علیدوست، ۱۳۹۷ش، ص ۱۱۵).

دو. اصل اباحه و عدم حرمت:

برخی از فقیهان در مسائل جنگی و قتال با کفار، به‌ویژه در شرایط جنگی، به اصل اباحه و عدم حرمت تمسک کرده‌اند. بر اساس این اصل، هر عملی در شرایط جنگی مجاز است مگر آنکه نص خاصی بر حرمت آن دلالت کند (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ۴، ص ۳۹۱).
نقد: اصل اباحه در صورتی مفید است که ادله مخالفی با آن وجود نداشته باشد. در صورتی که ادله مخالف وجود دارد که بیان شده است.

سه. سیره پیامبر (ص) در یکی از جنگ‌ها

حضرت رسول الله (صلی الله علیه وآله) محاصره‌ی دشمن را به مدت سه روز ادامه دادند و منابع آب آن‌ها را قطع نمودند (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۶۴۷ و صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۱۲۲ و حلبی شافعی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۵۹).

نقد: اولاً: این واقعه مبتنی بر اثبات استناد و صحت این واقعه است.

ثانیاً: آن چه از این گزارشات بر می‌آید این اقدام به صورت ضرورت بوده است.

فرضیه دوم: محدودیت حمله به زیرساخت‌ها و منابع حیاتی

بر اساس فرضیه دوم، حمله به زیرساخت‌ها و تأسیسات حیاتی دشمن در شرایط جنگی غیر از صورت ضرورت مجاز نبوده و ممنوع است.

استدلالات:

یک. منع تخریب بر اساس آیه اهلاك حرث و نسل

«وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره ۲۰۵). و هنگامی که [چنین فردی] قدرتی در زمین یابد، می‌کوشد که در آن فساد به‌وجود آورد و زراعت و نسل را نابود سازد؛ و خداوند فساد را دوست ندارد.
این آیه شریفه، با اشاره به اهلاك «حرث» (زراعت) و «نسل»، به معنای نابودی منابع حیاتی و پایه‌ای زندگی انسان‌هاست.

دو. سیره امیرالمومنین (ع) در جنگ با معاویه

حضرت علی (علیه السلام) برای دستیابی به منابع آبی با دشمن جنگیدند و پس از پیروزی بر دشمن و تسلط بر منابع آب، به جای آنکه آب را برای سپاه معاویه مسدود کنند، با رعایت اصول اخلاقی و انسانی به معاویه نوشتند: «إِنَّا لَا نُكَافِيكَ بِصُنْعِكَ هَلُمَّ إِلَيَّ»

الْمَاءِ فَتَحْنُ وَ أَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ»، به این معنا که ما شما را به خاطر آنچه که در خصوص آب کرده‌اید، مقابله نمی‌کنیم و از شما می‌خواهیم که به سوی آب بیایید زیرا در استفاده از آن، ما و شما برابر هستیم (منقري، ۱۴۰۴ق، ص ۱۹۳ و طبري، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۵۷۲).
سه. روایت امام صادق (ع) درباره نهی از آلودگی آب چاه
در روایت اینگونه بیان شده است: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «إِذَا أَتَيْتَ الْبُئْرَ وَأَنْتَ جُنُبٌ، وَلَمْ تَجِدْ دَلْوًا وَلَا شَيْئًا تَغْرِفُ بِهِ فَتَيَمَّمُ بِالصَّيْدِ؛ فَإِنَّ رَبَّ الْمَاءِ وَ رَبَّ الصَّيْدِ وَاحِدٌ، وَلَا تَقَعُ فِي الْبُئْرِ، وَلَا تُفْسِدُ عَلَى الْقَوْمِ مَاءَهُمْ». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۶۵)
حضرت امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: «اگر به چاهی رسیدی و جنب بودی و نه دلو و نه چیزی برای برداشتن آب پیدا کردی، پس تیمم کن به خاک؛ چرا که پروردگار آب و پروردگار خاک یکی است. و در چاه نیفت، و آب مردم را فاسد مکن.

جمع بندی و دیدگاه نگارنده :

در نهایت، از منظر فقه اسلامی، تخریب عمدی زیرساخت‌های حیاتی همچون آب و برق در جنگ‌ها، به‌ویژه زمانی که برای بقای انسان‌ها ضروری هستند، نه تنها غیرمجاز است، بلکه با قواعد فقهی چون «لا ضرر» (بجنوردی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۲۱۲) حفظ مال (غزالی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۷۴) و «ضرورت در حداقل» (مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۵۴) نیز در تضاد قرار دارد. چنین اقداماتی می‌تواند به بحران‌های انسانی و اجتماعی منجر شود و اثرات آن برای جامعه غیرنظامی غیرقابل جبران باشد. لذا باید به صورت ضرورت اکتفا نمود.

ب- از بین بردن معادن و منابع عمومی مثل نفت و گاز در جنگ از منظر فقه:

در منظر فقه اسلامی، مسأله از بین بردن معادن و منابع عمومی، نظیر نفت و گاز، در جریان جنگ، موضوعی پیچیده و دارای ابعاد متعددی است که تحلیل آن بستگی به شرایط خاص جنگ، اهداف طرفین و رعایت قواعد اخلاقی و فقهی حاکم بر تعاملات جنگی دارد. در این خصوص، از دیدگاه فقهی، دو احتمال و فرضیه عمده قابل طرح و بررسی است:

فرضیه اول: مجاز بودن تخریب معادن و منابع عمومی در جنگ بدون محدودیت

در این فرضیه، به نظر می‌رسد که تخریب معادن و منابع عمومی همچون نفت و گاز در شرایط جنگی، به‌عنوان یک اقدام مشروع و بدون محدودیت، در راستای استراتژی‌های جنگی قرار گیرد. در این دیدگاه، این منابع به‌عنوان ابزارهای حیاتی و استراتژیک در نظر گرفته می‌شوند که تضعیف آن‌ها می‌تواند به کاهش قدرت نظامی و اقتصادی دشمن منتهی شود.

استدلال:

یک. آیات مقابله با اعتداء و تجاوزگری

در قرآن کریم اصولی وجود دارد که می‌تواند به طور مستقیم جواز تخریب منابع نفتی و گازی در جنگ را تأیید کند. آیه‌ی «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا» (شوری/۴۰) به اصل مقابله به مثل اشاره دارد. این آیه بیان می‌کند که جزای هر بدی، باید همانند آن بدی باشد. به عبارت دیگر، اگر دشمن به شما آسیب رسانده است، باید به اندازه و همانند آن واکنش نشان دهید. بنابراین، اگر دشمن به منابع نفتی و گازی شما حمله کند، طبق این آیه مجاز به پاسخ مشابه خواهید بود. آیه‌ی دیگر «فَاعْتَدُوا عَلَيْهِمْ مِثْلَ مَا فَعَتَدُوا عَلَيْكُمْ» (بقره/۱۹۴) نیز به همین اصل اشاره دارد.

نقد: نهایت مطلبی که می‌تواند این آیات اثبات کند این است که به اندازه تجاوز دشمن به منابع ما، می‌توانیم به آن‌ها پاسخ متناسب بدهیم. ضمن این که آسیب به این منابع ضررهایی را در آینده برای عموم مردم در پی دارد. در صورتی که ما نیز پیروز شویم خودمان محتاج همان منابع خواهیم شد.

دو. ایجاد رعب در قلوب دشمنان

یکی از مسائلی که قرآن کریم در آیه اعداد (انفال/ ۶۰) به آن اشاره نموده است بحث ایجاد رعب و ترس در قلوب دشمنان است. تخریب معادن نفتی و گازی دشمن بیانگر جدیت در مقابل متجاوز است و به آن‌ها رعب و وحشت می‌دهد.

نقد: اطلاق اعداد به هر وسیله ممکن در آیه ملاحظه می شود لکن اگر عملی برای خود امت اسلامی در آینده نیاز است و به آن محتاج می شود نباید جز در حالت ضرورت به آن دست یازد زیرا که به صورت غیر مستقیم به خودش ضربه وارد نموده است.

فرضیه دوم: محدودیت تخریب معادن و منابع عمومی در جنگ بدون محدودیت

در مقابل فرضیه اول، فرضیه دوم بر این اصل تأکید دارد که تخریب معادن و منابع عمومی مانند نفت و گاز در شرایط جنگی نمی تواند به عنوان یک اقدام مشروع و بدون محدودیت تلقی شود.

استدلالات:

یک: آیه نهی از اسراف و تبذیر

آیه شریفه بیان می کند که: «وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا» و اسراف مکنید، زیرا اسراف کنندگان برادران شیطانند و شیطان به پروردگارش کفر می ورزد (سوره اسرا، آیه ۲۶).

واژه «تبذیر» در زبان عربی به معنای پراکندن بذر یا تخم است. به طور کلی، به شخصی که منابع و اموال خود را به طور بی هدف و بی دلیل مصرف می کند، «مبذّر» گفته می شود (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۶۷). در واقع، تبذیر به معنای «پاشیدن بیهوده» منابع و اتلاف آن ها بدون هیچ گونه ضرورت یا هدف معقول است. در نظریه ممنوعیت آسیب به منابع نفتی و گازی و معادن در جنگ، این آیه به عنوان دلیلی بر لزوم حفاظت از این منابع در برابر هرگونه تخریب بیهوده و غیر ضروری می تواند مورد استفاده قرار گیرد.

دو: منع تخریب بر اساس آیه اهلاك حرث و نسل

قرآن کریم می فرماید: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره ۲۰۵). و هنگامی که [چنین فردی] در زمین قدرت یابد، می کوشد که در آن فساد به وجود آورد و زراعت و نسل را نابود سازد؛ و خداوند فساد را دوست ندارد. در این راستا، تخریب منابع نفتی و گازی می تواند یکی از مصادیق بارز «افساد فی الأرض» باشد. نفت و گاز، به عنوان منابع انرژی حیاتی، نقش اساسی در تأمین انرژی، تولید کالاها، رشد اقتصادی و حتی بقای جوامع بشری دارند. در شرایط جنگ یا بحران، حمله به منابع نفتی و گازی نه تنها به تخریب زیرساخت ها و ایجاد بحران در تأمین انرژی می انجامد، بلکه موجب اختلال در توسعه صنعتی، کشاورزی و معیشت مردم می شود.

سه: نیازمندی امت اسلامی به همین منابع در آینده

شیخ کلینی در کافی به نقل امام صادق (ع) این گونه روایت می کند: هر گاه پیامبر (ص) امیری را برای جنگ می فرستادند به وی سفارش هایی می نمودند که از جمله آن ها این بود که زراعت ها را آتش نزنید زیرا که چه بسا در آینده به آن ها محتاج شوید. (کلینی، ۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۹) تعلیلی که در این روایت برای ممنوعیت سوزاندن زراعت بیان شده، نیازمندی به آن ها در آینده است. این تعلیل در حقیقت به یکی از اصول کلیدی فقهی اشاره دارد که در مواجهه با منابع طبیعی، به ویژه در دوران جنگ و بحران، می بایست به حفظ و عدم تخریب آن ها توجه داشت.

جمع بندی:

بر اساس دلایل مطرح شده و نقد استدلال های فرضیه اول، می بایست تأکید کرد که تخریب منابع انرژی در جنگ تنها در شرایط ضروری و اضطراری مجاز است و در غیر این صورت، انجام آن جایز نمی باشد.

ب. **سوابق دانشی:** تاریخچه موضوع و سوابق نظری و دانشی موجود در این زمینه چیست و جایگاه موضوع حاضر کجاست؟ این موضوع در آثار فقهی گذشتگان و معاصرین به این صورت و به صورت های دیگر طرح و بررسی نشده است. لذا چنانچه در خلاصه طرحنامه ملاحظه می شود دیدگاه فقهی وجود ندارد و صرفاً به بیان فرضیات محتمل اکتفاء شده است. البته برای این موضوع می توان به منابع فقهی و تاریخی برای طرح استدلال و نقد آن ها مراجعه نمود.

ج. **موارد نوآوری:** ضمن بیان دانش موجود، نوآوری طرحنامه بطور واضح و روشن تعیین شود.

نوآوری های طرح حاضر به قرار ذیل است :

- ۱- این موضوع بدون پیشینه پژوهشی است و در آثار اندیشمندان به طور مستقل و غیر مستقل طرح نشده است.
- ۲- در این مقاله به دلیل فقدان دیدگاه های فقیهان و اندیشمندان از فرضیات تحقیقی دقیق کمک گرفته شده است و برای آن ها طرح استدلال شده است.
- ۳- استدلالات مرتبط به فرضیه مخالف نظر نگارنده به طور دقیق و علمی مورد ارزیابی و نقد گرفته شده است و در پایان با تقویت فرضیه مختار، جمع بندی ارائه شده است.

د. **فرایند:** فرایندی که در آن فرضیه/ایده/مدل/ نظریه حاصل شده است، بطور دقیق شرح داده شود.

ابتدا مسأله به طور شفاف طرح شده است. سپس برای هر مسأله فرضیات محتمل طرح شده است. پس از آن تحلیل و ارزیابی استدلال ممکن برای فرضیه انجام شده است و در پایان نظریه نگارنده در هر قسمت مطرح شده است.

ه. **منابع:** فهرست منابعی که در متن ارجاع داده شده است، آورده شود.

- قرآن کریم .
۱. ابن زهره، حمزه، غنیة النزوع إلى علمی الأصول والفروع، قم: مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، چاپ دوم، ۱۴۱۷ ق.
 ۲. بجنوردی، سید حسن، القواعد الفقهیه، قم: نشر الهادی، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
 ۳. حلبی، ابوالحسن، اشاره السبق الی معرفه الحق، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
 ۴. حلبی شافعی، علی بن ابراهیم، السیره الحلبیه، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ دوم، ۱۴۲۷ ق.
 ۵. حلبی، جعفر (محقق حلبی)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.
 ۶. الصالحی الشامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
 ۷. علیدوست، ابوالقاسم، فقه هسته ای، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۷ ش.
 ۸. غزالی، ابوحامد محمد، المستصفی، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
 ۹. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
 ۱۰. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، بیروت: موسسه عزالدین، چاپ سوم، ۱۴۱۳ ق.
 ۱۱. کلینی، محمد، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
 ۱۲. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار الفکر، بی چاپ، ۱۴۱۴ ق.
 ۱۳. منقری، نصر، وقعه صفین، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.

۱۴..نجفی جواهری ، محمدحسن ، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام ، بیروت ، دار إحياء التراث العربی ، چاپ هفتم ، ۱۳۶۲

ش.

۱۵. واقدی ، محمد ، المغازی ، بیروت ، موسسه الاعلمی ، چاپ دوم ، ۱۴۰۹ق.

خلاصه طرحنامه شامل همه موارد از (الف تا ه) بین ۱۰۰۰ تا ۲۵۰۰ کلمه باشد.